

الْحَمْدُ لِلَّهِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ

تقدیر به:

پیشگاه برترین آفریده خداوند پیامبر

اعظم ﷺ و خاندان پاکش ﷺ

به ویژه:

منجی عالم بشریت، مهدی موعود ﷺ

- سرشناسه: ناصری، علیرضا
 عنوان و نام پدیدآور: رابطه هست و باید/علیرضا ناصری.
 مشخصات نشر: قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، ۱۳۹۳.
 شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۱۹۵-۹۲۰-۵
 فروست اصلی: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
 ۱۳۹۳/۱۶۴/پ۱۸۹
 فروست فرعی: دفتر تدوین متون پژوهشی ۳
 وضعیت فهرست نویسی: فیبا
 یادداشت: کتابنامه.
 موضوع: اخلاق -- فلسفه
 موضوع: شناخت (فلسفه)
 شناسه افزوده: جامعه المصطفی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ العالمية.
 مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
 رده بندی کنگره: BJ۳۷/۲ر۲ ۱۳۹۳
 رده بندی دیویی: ۱۷۰
 شماره کتابشناسی ملی: ۳۶۰۴۱۸۷

رابطه هست و باید

علیرضا ناصری



مرکز بین‌المللی
ترجمه و نشر المصطفی

رابطه هست و باید

مؤلف: علیرضا ناصری

چاپ اول: ۱۳۹۳ ش / ۱۴۳۵ اق

ناشر: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی ﷺ

● چاپ: نارنجستان ● قیمت: ۸۵۰۰۰ ریال ● شمارگان: ۳۰۰

همه حقوق برای ناشر محفوظ است.

● قم، چهارراه شهدا، خیابان معلم غربی (حجتیه)، نبش کوچه ۱۸. تلفکس: ۰۲۵-۳۷۸۳۹۳۰۵-۹

● قم، بلوار محمدامین، سه‌راه سالاریه. تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۳۳۱۰۶ - فکس: ۰۲۵-۳۲۱۳۳۱۴۶

● تهران، خیابان انقلاب، بین خیابان وصال شیرازی و قدس، نبش کوچه اسکو، پلاک ۱۰۰۳. تلفن: ۰۲۱-۶۶۹۷۸۹۲۰

● مشهد، خیابان امام رضا علیه السلام، خیابان دانش شرقی، بین دانش ۱۵ و ۱۷. تلفن: ۰۵۱۱-۸۵۴۳۰۵۹

pub.miu.uc.ir miup@pub.miu.uc.ir

با سپاس از دست‌اندرکارانی که ما را در تولید این اثر یاری رساندند.

- | | | |
|-----------------------------|------------------------------|---------------------------------|
| ● صفحه‌آرا: محمد خسروبیگی | ● ناظر گرافیک: مسعود مهدوی | ● مدیر انتشارات: محمدسعید پناهی |
| ● ویراستار: هادی عجمی | ● ناظر چاپ: نعمت‌الله یزدانی | ● معاونت تولید: تورج روحانی |
| ● نمونه‌خوان: محمد خسروبیگی | ● آماده‌ساز: محمد خسروبیگی | ● ناظر تولید: جعفر قاسمی ابهری |
| | | ● ناظر فنی: محمدباقر شکری |

سخن ناشر

با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی و در عصر جهانی شدن ارتباطات، پرسش‌ها و چالش‌های نوینی در حوزه علوم انسانی فرا روی اندیشمندان مسلمان قرار گرفت که همه به نوعی برخاسته از مسئولیت دشوار حکومت در این عصر است؛ دورانی که پای‌بندی به دین و سنت در مدیریت همه‌جانبه کشورها بسیار چالش‌برانگیز می‌نماید. از این رو مطالعات و پژوهش‌های به‌روز، جامع، منسجم و کاربردی در حوزه دین، بر اساس معیارهای معتبر جهانی و عمق و اصالت اندیشه‌های ناب، بایسته و ضروری است و جلوگیری از انحرافات فکری و تربیتی پژوهندگان حوزه دین، مهم و مورد عنایت تمامی بنیان‌گذاران این شجره طیّبه، به‌ویژه معمار بزرگ انقلاب اسلامی، امام خمینی رحمته‌الله و مقام معظم رهبری (دام ظلّه العالی) می‌باشد.

«جامعه المصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم العالمیه» برای تحقق این رسالت خطیر و در مسیر نشر معارف ناب محمدی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم «مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم» را تأسیس کرده است.

اثر حاضر با عنوان رابطه هست و باید حاصل پژوهش فاضل گرامی

جناب آقای علیرضا ناصری، کوششی است در به ثمر رساندن گوشه‌ای از این اهداف متعالی.

در پایان لازم می‌دانیم تلاش همه عزیزانی را که در نشر این کتاب سهمی داشته‌اند، سپاس گزارده، صاحبان فضل و معرفت را به یاری بخوانیم تا ما را از دیدگاه‌های سازنده خویش بهره‌مند سازند.

مرکز بین‌المللی

ترجمه و نشر المصطفی ﷺ

فهرست

۱۳.....	مقدمه
۱۴.....	دو نکته
۱۷.....	۱. تحلیل مفاهیم و جملات اخلاقی
۱۷.....	مباحث مربوط به اخلاق
۱۷.....	۱. اخلاق توصیفی
۱۸.....	۲. اخلاق هنجاری
۱۹.....	۳. فرااخلاق
۲۰.....	مسائل فرا اخلاق
۲۰.....	۱. مسائل معنا شناختی
۲۱.....	۲. مسائل معرفت شناختی
۲۱.....	۳. مسائل منطقی
۲۲.....	مسئله هیوم
۲۲.....	۱. پرسش هیوم
۲۲.....	۲. عینی نبودن مفاهیم اخلاقی
۲۴.....	۳. رابطه باید و هست
۲۶.....	اقسام مفاهیم
۲۷.....	۱. مفاهیم کلی
۲۷.....	الف) مفاهیم ماهوی
۲۸.....	ب) مفاهیم فلسفی

۲۸ (ج) مفاهیم منطقی
۲۹ ۲. مفاهیم اعتباری
۳۱ ۳. مفاهیم اخلاقی
۳۱ ۴. مفاهیم الزامی و مفاهیم ارزشی
۳۲ باید و نباید
۳۲ ۱. اقسام وجوب
۳۳ الف) وجوب بالذات
۳۴ ب) وجوب بالغير
۳۴ ج) وجوب بالقياس
۳۵ ۲. مفهوم باید
۳۵ ۳. معانی «باید»
۳۷ دیدگاه علامه طباطبائی در معنای باید
۳۸ ادراکات اعتباری
۴۰ اقسام اعتباریات
۴۱ چگونگی پیدایش مفهوم باید
۴۲ «باید»های اخلاقی
۴۵ دیدگاه شهید مطهری در معنای باید
۴۶ دیدگاه استاد مصباح یزدی در معنای «باید»
۴۶ باید انشائی
۴۶ باید اخباری
۴۸ تفاوت بایدهای ارزشی و غیر ارزشی
۴۸ تفاوت بایدهای اخلاقی و حقوقی
۴۹ حسن و قبح
۴۹ درآمد
۵۰ دو پرسش در باب حسن و قبح
۵۰ الف) آیا حسن و قبح عقلی داریم یا خیر؟
۵۰ ب) ماهیت قضایای حسن و قبح عقلی چیست؟
۵۰ حسن و قبح از دیدگاه متکلمان
۵۱ محل اختلاف
۵۱ الف) کمال و نقص
۵۱ ب) موافقت و مخالفت با هدف
۵۲ ج) استحقاق مدح و ذم و ثواب و عقاب

- ۵۲..... ادله موافقان حسن و قبح عقلی
- ۵۳..... الف) و هما عقلیان للعلم بحسن الاحسان و قبح الظلم من غیر شرع
- ۵۳..... ب) و لانتفائهما مطلقا لو ثبتا شرعا
- ۵۳..... ج) و لجاز التعاکس
- ۵۴..... ادله اشاعره بر نفی حسن و قبح عقلی
- ۵۴..... الف) این قاعده موجب سلب اختیار و قدرت از خداوند می شود
- ۵۵..... ب) حسن و قبح ذاتی، متغیر نیست
- ۵۵..... ج) فاعل در کار خود مجبور است
- ۵۶..... دیدگاه اشاعره
- ۵۸..... جمع بندی آرای متکلمان
- ۵۸..... ماهیت قضایای حسن و قبح
- ۵۹..... دیدگاه حکما
- ۵۹..... الف) ابن سینا
- ۶۰..... ب) خواجه نصیرالدین طوسی
- ۶۱..... تبیین نظریه اول
- ۶۱..... الف) محقق لاهیجی رحمته الله
- ۶۲..... ب) استاد جعفر سبحانی
- ۶۳..... تبیین نظریه دوم
- ۶۳..... الف) محقق اصفهانی رحمته الله
- ۶۴..... ب) مرحوم مظفر رحمته الله
- ۶۶..... جمع بندی دیدگاهها
- ۶۹..... دیدگاه علامه طباطبائی رحمته الله
- ۷۰..... چگونگی پیدایش حسن و قبح
- ۷۱..... دیدگاه استاد مطهری رحمته الله
- ۷۴..... دیدگاه استاد مصباح یزدی
- ۷۶..... اخبار و انشا
- ۷۶..... الف) تعریف اخبار و انشا
- ۷۶..... تفاوت جملات اخباری و انشائی
- ۷۸..... ملاک ارزیابی جمله‌هایی اخباری و انشائی
- ۷۸..... الف) ملاک در جمله‌های اخباری
- ۷۹..... ب) ملاک در جمله‌های انشائی

- ۸۰..... (ب) اخباری یا انشائی بودن جمله‌های اخلاقی
- ۸۱..... ثمره این بحث
- ۸۱..... نظریه اعتباریات
- ۸۳..... دیدگاه استاد مصباح یزدی
- ۸۳..... فوائد به کارگیری جملات انشائی در اخلاق
- ۸۴..... (الف) سهولت و سادگی
- ۸۴..... (ب) نقش تربیتی
- ۸۵..... ۲. رابطه باید و هست
- ۸۵..... دیدگاه‌های فلاسفه غرب در رابطه باید و هست
- ۸۵..... ۱. طبیعت گرایی
- ۸۶..... ۲. شهود گرایی
- ۹۰..... ۳. اصالت عدم شناخت
- ۹۰..... (الف) احساس گرایی
- ۹۲..... نقد احساس گرایی
- ۹۳..... (ب) توصیه گرایی
- ۹۶..... اشکالات توصیه گرایی
- ۹۷..... دیدگاه علامه طباطبائی
- ۹۷..... ۱. نظریه اعتباریات
- ۹۸..... ۲. اشکالات دیدگاه اعتباریات
- ۹۹..... (الف) اشکال بر اصل دیدگاه اعتباریات
- ۹۹..... (یکم) نقد دیدگاه مرحوم علامه درباره تحلیل الزام
- ۱۰۰..... دوم) لغو بودن اعتبار برای خود
- ۱۰۲..... (ب) اشکال بر پیامدهای دیدگاه اعتباریات
- ۱۰۲..... (یکم) معیار نداشتن احکام اخلاقی
- ۱۰۳..... دوم) نسبی بودن اخلاق
- ۱۰۴..... سوم) روبنا بودن اخلاق
- ۱۰۵..... ۳. دفاع از علامه رحمته الله
- ۱۰۹..... دیدگاه شهید مطهری
- ۱۱۰..... ۱. باید‌های کلی
- ۱۱۰..... (الف) آیا باید‌های کلی وجود دارد؟
- ۱۱۱..... (ب) ریشه و مبنای باید‌های کلی چیست؟

۱۱۲	۲. من علوی و من سفلی
۱۱۵	۳. ارتباط اخلاق با امور عینی
۱۱۶	ارتباط ایدئولوژی و جهان بینی
۱۱۷	۴. تعریف ایدئولوژی و جهان بینی
۱۱۷	اتکای ایدئولوژی بر جهان بینی
۱۱۹	حل یک تناقض نما
۱۲۱	دیدگاه استاد مصباح یزدی
۱۲۳	جمع بندی و نتیجه گیری
۱۲۳	استناد مفاهیم و جملات اخلاقی به واقعیات
۱۲۵	ثبات و دوام اصول اخلاقی
۱۲۵	ارتباط منطقی باید و هست
۱۲۷	نظریه مختار
۱۲۹	پیشنهاد برای تحقیق بیشتر
۱۳۱	کتابنامه
۱۳۱	کتاب ها
۱۳۴	نشریات
۱۳۵	پایان نامه
۱۳۵	نرم افزار

مقدمه

از مباحث پایه‌ای و راهبردی اخلاق و فلسفه اخلاق، واقعی بودن یا نبودن اصول و احکام اخلاقی است؛ زیرا اگر آنها را بر پایه اموری واقعی استوار بدانیم و معتقد به یک نظام اخلاقی مطابق با نظام تکوین و هماهنگ با قوانین جاری در آن باشیم، نظام اخلاقی معقول و موجه داریم که می‌توانیم در مورد آن به بحث و گفتگو بنشینیم و اصول و احکام مطرح شده در آن را به نقد بگذاریم. اگر راهی غیر از این را پیمودیم، آن نظام اخلاقی عقلانی بودن خود را از دست می‌دهد و نمی‌توان در مورد آن با ابزار عقل و اندیشه به قضاوت نشست و درباره اصول و احکام آن داوری کرد.

در صورت اول، ما یکسری اصول ثابت، کلی و همیشگی داریم که منطبق بر امور عینی و نفس‌الامری هستند؛ به تعبیر دیگر یک نظام اخلاقی مطلق داریم. در غیر این صورت، احکام اخلاقی یا اموری بی‌معنا و نامعقول هستند یا ناشی از احساس و خواسته‌های فردی و گروهی می‌باشند که به نسبت‌گرایی در اخلاق منجر می‌شود.

بحث از رابطه «باید و هست» ناظر به همین مسأله می‌باشد که آیا می‌توان از «هست» و واقعیت، «باید» و قوانین اخلاقی را نتیجه گرفت و آنها را بر پایه «هست» توجیه کرد؛ یا اینکه میان این دو سدی نفوذناپذیر

وجود دارد که هرگونه ارتباطی میان آندو را ناممکن می‌کند.

به تعبیر دیگر آیا می‌توان بر اساس حقایق موجود در عالم، یک نظام اخلاقی تشکیل داد و اصول و احکام اخلاقی را بر پایه نظام تکوین، استوار کرد؟ در این راستا پرسش‌های دیگری نیز مطرح می‌گردد که در سرنوشت این بحث، تأثیرگذارند؛ مانند اینکه آیا مفاهیم و گزاره‌های اخلاقی می‌توانند حکایت‌کننده و نمایانگر حقایق بیرونی و روابط میان آنها باشند یا اینکه اموری اعتباری و بدون جنبه معرفت‌شناختی می‌باشند و حکایتگری از واقع را ندارند؟ ما در این نوشتار، در پی بررسی نظرات سه تن از فیلسوفان معاصر یعنی علامه طباطبائی، شهید مطهری و استاد مصباح یزدی، درباره این سؤال‌ها هستیم.

آنچه پرداختن به بحث باید و هست را ضروری‌تر می‌کند دفاع از ارزش‌های اخلاقی اسلام در برابر هجوم شبهات فکری - فرهنگی غرب است. اصول و احکام اخلاق اسلامی به مثابه بخش بزرگی از تعلیمات دین مقدس اسلام، اعتباری جاودانه دارد؛ بنابراین القای شبهاتی همچون تأثیر زمان و مکان در تغییر مبانی اخلاق، به اصل دین و جاودانگی تعلیمات آن لطمه می‌زند.^۱

در پایان با حمد و ثنای پروردگار که توفیق به پایان رساندن این اثر را به بنده داد، از تمام کسانی که بنده را در تدوین این کتاب یاری رساندند سپاسگذاری و قدردانی می‌نمایم؛ به‌ویژه از زحمات استاد ارجمند حضرت حجت الاسلام و المسلمین آقای معلمی که با رهنمودهای دلسوزانه، راهگشای این جانب بودند؛ همچنین استاد گرانقدر حضرت حجت الاسلام و المسلمین رضایور که مشاوری امین و معین در نگارش این اثر بودند.

دو نکته

قبل از پرداختن به موضوع کتاب، لازم است دو نکته بیان شود.

۱. مرتضی مطهری، نقدی بر مارکسیسم، ص ۱۸۲.

نکته اول

در عنوان تحقیق، دو واژه «باید» و «هست» آمده که لازم است برای روشن شدن این عنوان به نکات ذیل توجه شود:

۱. گزاره‌های اخلاقی، گاه مشتمل بر «باید و نباید» است («باید راست گفت»، «نباید دروغ گفت»)، گاه به صورت امر و نهی بیان می‌شود («راست بگو»، «ظلم نکن») و گاه نیز به صورت جمله خبری می‌آید («ایثار خوب است»، «بی‌اعتنایی به مستمندان نادرست است»). در فلسفه اخلاق این بحث طرح شده که آیا رابطه گزاره‌های اخلاقی با حقایق عینی فقط مربوط می‌شود به آن گزاره‌هایی که مشتمل بر «باید و نباید» است یا اعم است از اینکه دارای «باید و نباید» باشند و یا به صورت دیگری بیان شوند؟

این مناقشه از آنجا سرچشمه گرفته است که برخی، در گزاره‌های مشتمل بر «باید و نباید» خصوصیتی را قائلند که در گزاره‌های دیگر نیست؛ اما میان فلاسفه اخلاق معروف است که این مسأله، شامل تمام گزاره‌های اخلاقی می‌شود؛ خواه مشتمل بر باید و نباید باشند یا به صورت‌های دیگری بیان شوند. واژه باید، فقط نشانه برای گزاره‌های اخلاقی است. ما در عنوان کتاب از قول معروف (که حق نیز هست) پیروی کرده‌ایم؛ یعنی واژه «باید» در اینجا اشاره کننده به تمام گزاره‌های اخلاقی است.^۱

۲. دو واژه «است» و «هست»، در زبان فارسی کاربردهای متفاوتی دارند که لازم است به آنها توجه شود. واژه «است» برای ایجاد ارتباط میان موضوع و محمول قضیه به کار می‌رود؛ مانند: «عسل شیرین است». در اینجا به واسطه «است»، میان عسل و شیرینی رابطه ایجاد کرده‌ایم؛ اما خود «است» نقشی به جز رابط بودن ندارد و تمام توجه ما در این قضیه

۱. محسن جوادی آملی، مسئله باید و هست، ص ۲۴.

به موضوع و محمول است و به معنای «است» توجهی نداریم. اما اگر بگوییم: «عسل هست»، خود «هست» محمول قضیه می‌باشد و از بودن موضوع، خبر می‌دهد و توجه ما به معنای «هست» می‌باشد. در اصطلاح می‌گویند «است» وجود رابطی دارد و «هست» وجود محمولی.^۱

اما در بحث ما میان این دو تفاوتی نیست یعنی گزاره‌هایی که از حقایق عینی خبر می‌دهند چه به صورت «است» حکایت کنند و چه به صورت «هست»، هر دو در بحث ما یک حکم دارند و «هست» در عنوان این کتاب، اشاره‌کننده به واقعیت است نه در مقابل «است».

نکته دوم

بحث از رابطه باید و هست، ارتباط مستقیمی با اطلاق و نسبیت اخلاق دارد و در واقع، اطلاق و نسبیت اخلاق، نتیجه آن است. اگر ما در اینجا ارتباط و استنتاج «باید» از «هست» را تبدیل کردیم، ثمره‌اش آن است که اصول و احکام اخلاقی را ثابت و مطلق بدانیم. زیرا پشتوانه آنها حقایق ثابت و بدون تغییر هستند. اما اگر شکاف و عدم ارتباط میان باید و هست را تبدیل کردیم، نسبی بودن اصول و احکام اخلاقی را در پی دارد؛ زیرا اصول و احکام اخلاقی دایره مدار ملاک و معیار است. اگر این ملاک‌ها اموری عینی و نفس‌الامری باشند، می‌توان بر اساس آنها، نظام‌ها، مکاتب و قواعد و احکام اخلاقی را در بوته نقد قرار داد؛ آنچه را مطابق این ملاک‌ها است برگزید و مخالف آن را رد کرد. اما اگر معیاری وجود نداشت و یا اینکه آن معیار، تابع اعتبار و اراده اشخاص بود، دیگر جایی برای سنجش قواعد و احکام اخلاقی باقی نمی‌ماند و هر فرد یا گروهی بر طبق سلاقی خود، اخلاق می‌سازد.^۲

۱. مهدی حائری یزدی، کاوش‌های عقل عملی، ص ۶۴.

۲. مهدی مصباح یزدی، دروس فلسفه اخلاق، ص ۲۲.